

Syrian Kurds and the Regional Strategy of the Kurdistan Workers' Party (PKK)

Behvand Tavakoli¹

Mohammad Shah Mohammadi²

Abstract

The Kurdistan Workers' Party (PKK) was founded in 1978 with a Marxist-Leninist ideology and the goal of achieving autonomy for the Kurds in southeastern Turkey. This research examines the PKK's regional strategy and its model of democratic self-management for communities based on the theory of confederalism. The main research question is: What impact has the PKK's regional strategy had on the northern and northeastern regions of Syria? The hypothesis of the research is that the democratic confederalism theory proposed by Öcalan has led to democratic self-rule for the Kurds and other ethnic groups in northern and eastern Syria. The findings indicate that the heavy military and financial costs imposed by the PKK's armed struggles ultimately reflect the unique complexities arising, including regional threats from Turkey.

Keywords: Confederalism, Democratic, Syrian Kurdistan, Turkey

¹ M.A. in Regional Studies – Middle East and North Africa University of Tehran, Tehran, Iran

Afraein72@gmail.com

² Assistant Professor, University and Higher Research Institute of National

Defense and Strategic Research, Tehran, Iran. **M.mohammad.shm1347@gmail.com**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵

Knowledge of political interpretation

Vol 6, No 21, Autumn 2023

ppt 97-120

دانش تفسیر سیاسی

سال ششم، شماره ۲۱، پاییز ۱۴۰۳

صفحات ۹۷-۱۲۰

کردهای سوریه و استراتژی منطقه ای حزب کارگران کردستان ترکیه

بهوند توکلی^۱

محمد شاه محمدی^۲

چکیده

حزب کارگران کردستان ترکیه (پکک) در سال ۱۹۷۸ با ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم و با هدف خودمختاری برای کردها در جنوب و جنوب شرقی ترکیه تأسیس شد. این پژوهش به بررسی استراتژی منطقه‌ای پکک و الگوی خودمدیریتی دموکراتیک جوامع که مبتنی بر نظریه کنفدرالیسم است، می‌پردازد. سوال اصلی پژوهش این می‌باشد که استراتژی منطقه‌ای پکک چه تأثیری بر مناطق شمالی و شمال شرق سوریه داشته است؟ در پاسخ این فرضیه ارائه می‌شود که نظریه کنفدرالیسم دموکراتیک جوامع که توسط اوجالان ارائه شده، به خودگردانی دموکراتیک کردها و دیگر اقوام در شمال و شرق سوریه منجر شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تحمیل هزینه‌های سنگین مالی و جانی و نظامی در مبارزات مسلحانه پکک، منجر به بوجود آمدن اوضاع پیچیده‌ای شد که اقدامات آتی دولت ترکیه را در همین راستا در پی داشته است.

واژگان کلیدی: کنفدرالیسم، دموکراتیک، کردستان سوریه، ترکیه

^۱ کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای گرایش خاورمیانه و شمال آفریقا دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Afraein72@gmail.com

^۲ استاد یار دانشگاه عالی دفاع ملی و پژوهشگاه مطالعات راهبردی تهران، ایران

مقدمه

حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک) در سال ۱۹۷۸ با محور قرار دادن ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم و با هدف دستیابی به خودمختاری یا استقلال برای کردهای ساکن جنوب و جنوب شرقی ترکیه تاسیس شد. از همان ابتدا، این حزب به عنوان یک نیروی غیردولتی معارض با حکومت ترکیه شناخته می شد که به طور ویژه ای فعالیت های مسلحانه و چریکی، تأثیرگذار در سطح منطقه ای بر جای گذاشته شده است. رهبری پ.ک.ک در دست عبدالله اوجالان، معروف به «سروک آپو» بوده است.

در گذشته، حزب کارگران کردستان ترکیه با تکیه بر مبارزه مسلحانه، و اقدامات چریکی و سازمانی تلاش کرد تا خواسته های سیاسی و قومی خود را در قالب گفتمان استقلال طلبی و یا خودمختاری خواهانه به کرسی بنشاند. با این حال، درگیری ها و هزینه های مالی و تسلیحاتی و انسانی، همراه با فشارهای داخلی و بین المللی، این حزب را به بازاندیشی در استراتژی های خود واداشت. یکی از خروجی های این بازاندیشی، چرخش ایدئولوژیک از خشونت سازمان یافته به سمت طرح هایی با ظاهر مدنی تر و مفاهیمی چون «خودمدیریتی دموکراتیک» و «کنفدرالیسم دموکراتیک» بوده است.

در این میان بحران داخلی سوریه و خلأ قدرت در شمال و شمال شرق این کشور، فرصتی برای گسترش نفوذ پ.ک.ک و متحدانش فراهم کرد. آنها با بهره گیری از شرایط هرج و مرج ناشی از جنگ، اقدام به ایجاد ساختارهای شبه دولتی با عنوان «خودگردانی دموکراتیک» در مناطق شمالی سوریه کردند. این نه تنها با انتقادهایی در سطح داخلی سوریه و منطقه ای وارد شد، بلکه در سطح بین المللی نیز به عنوان الگوی مورد بحث ارزیابی شد که با ابهاماتی در خصوص مشروعیت، مشارکت واقعی اقوام و پیوندهای ایدئولوژیک شان با گروه های مسلح روبه رو هستند. حال در این پژوهش که با بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از داده های کتابخانه های و منابع

اینترنتی صورت گرفته، تلاش می‌شود تا تأثیرات منطقه‌ای استراتژی حزب کارگران کردستان ترکیه، به‌ویژه در نظریه خودمدیریتی دموکراتیک، در حوزه شمال و شمال شرق سوریه بررسی شود. سوال اصلی پژوهش این است: استراتژی منطقه‌ای حزب کارگران کردستان ترکیه که به‌عنوان یک الگو در جغرافیای قومی تعریف می‌شود، چه تأثیری بر مناطق شمالی و شمال شرقی سوریه داشته است؟ فرضیه پژوهش این است که نظریه کنفدرالیسم دموکراتیک جوامع که توسط اوجالان پیشنهاد شده، به خودگردانی دموکراتیک کردها و دیگر اقوام در شمال و شرق سوریه منجر شده است.

الف) ادبیات و پیشینه تحقیق

در مورد کردهای سوریه کتابی که به زبان فارسی نگاشته شود و به طور جدی به وضعیت فرهنگی، اجتماعی-اقتصادی آنها پردازش شود از دیدگاه پژوهشگر وجود ندارد.

کریم یلدیز در کتاب خود به زبان انگلیسی با عنوان «کردهای سوریه: مردم فراموش شده» به این مورد پرداخته و دلیل نگارش این کتاب را کمبود منابع مکتوب درباره کردها به‌ویژه کردهای سوریه عنوان می‌کند. یلدیز به خوبی بخش‌های مختلف تاریخ سیاسی معاصر کردهای سوریه را از زمان توافق سایکس-پیکو تا سال ۲۰۰۵ به هم مرتبط کرده است و در این کتاب روابط متقابل کردها با دولت مرکزی و مسائل منطقه ای مورد بحث قرار گرفته است.

جوودی تجل در کتاب «کردها در سوریه: تاریخ، سیاست و جامعه» به بررسی شکل‌گیری آگاهی سیاسی و اجتماعی کردهای سوریه از طریق تحولات تاریخی این کشور تا به امروز می‌پردازد. این کتاب علاوه بر دارا بودن بعد نظری در تحلیل جنبش کردهای سوریه، پیشینه‌های قوم‌نگاری در مورد واقعیت‌های وجودی کردهای سوریه را ارائه می‌کند تا درکی از وضعیت کردها در سوریه معاصر به‌ویژه پس از بحران

۲۰۱۱ به دست آورد (تزل، ۲۰۱۶). علاوه بر این، تزل به عنوان یک وقایع نگار، نگاهی جامعه شناختی به تحولات کردها در سوریه داشته است.

- مایکل گانتز در کتاب «کردها در سوریه: جنگ و صلح ۲۰۱۴» به کردهای سوریه در جنگ داخلی و نقش یگان های مدافع خلق در برابر گروه های اسلام گرای تندرو و سلفی می پردازد. موارد مذکور از جمله مواردی از بحث پیشینه پژوهشی بوده اند که به طور اجمالی و مختصر توضیح داده شد.

چارچوب مفهومی

فرصت ها و گزینه ها (ساختار فرصت) عوامل دخیل در شکل گیری فرصت سیاسی از دیدگاه رابرت گر؛ هویت ها، انگیزه ها و قابلیت های گروه های قومی در بستری سیاسی و فرهنگی به اقدامی قومی - سیاسی تفسیر می شود ، با آنکه برخی اقدامات قومی - سیاسی حالتی آنی و ناگهانی دارند و در پاسخ به اعمال تحریک آمیز رخ می دهند . اما اقدامات قومی - سیاسی مداوم و طولانی بر اساس محاسبات استراتژیک و تصمیمات تاکتیکی فعالان گروه های قومی میسر می شوند .

منظور از ساختار فرصت عوامل دخیل در اقدامات گروه هاست که خارج از کنترل گروهند و بر تصمیمات رهبران گروه تاثیر می گذارند ، فرصت ها را میتوان به دو دسته تقسیم کرد : ۱- فرصت گذران منظور تغییراتی است که در ساختار محیط سیاسی گروه رخ می دهند مانند تغییرات در خط مشی های حکومت ، ظهور متحدین سیاسی جدید و نظایر آنها چنین عواملی می توانند به گروهها روحیه و امکان بسیج داده و اعتبار رهبران و چارچوب های آنها را افزایش دهند و حتی باعث تغییر در دعاوی و استراتژی های گروه شوند. تا در نهایت اهداف و زمان بندی اقدامات گروه هم از فرصت های مزبور اثر می پذیرند . ۲- فرصت پایدار : به سرشت سیاسی دولت و منابع آن و اتحادهای بلند مدت گروه قومی با گروه های دیگر صحنه سیاسی و یا عدم اتحاد آن مربوط می شود . این عوامل پایدار را میتوان ساختار فرصت نامید . این فرصت ها ، طرق سازماندهی گروه را

معین کرده و بر گزینه های استراتژیک و بلند مدت آن اثر می گذارند . ، از زاویه دیگر فرصت های گروه قومی - سیاسی را می توان به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم کرد

۳- فرصت های داخلی : نهادها و توانایی های سیاسی دولت بر گزینه ها و گزینش های گروههای قومی تاثیر می گذارد . در این زمینه دو عامل بسیار مهم وجود دارد ۱- قدرت و قابلیت دولت و استفاده از آن : قدرت دولتی یکی از عوامل پایداری فرصت است .

دولت های قدرتمند ، یعنی صاحبان قدرت دولتی

تد رابرت گر از محققان برجسته مطالعات قومی که در آثارش مقوله ظرفیت اقدام قومی - سیاسی و گزینه ها و فرصت ها (ساختار فرصت) را مورد تحلیل و مطالعه قرار داده است .

می توان قابلیت های یا توانمندی های کردهای سوریه را در سه سطح داخلی ، منطقه ای و بین المللی بر شمرد .

به زعم تد رابرت گر شش عامل بر ظرفیت و قابلیت های گروه قومی - سیاسی برای اقدام سیاسی موثر است :

۱-۳ : هویت مشترک و آگاهی از منافع و علایق مشترک از پیش شرطهای ضروری و لازم انسجام و بسیج می باشند . یکی از رایج ترین استراتژی های فعالان سیاسی - قومی و سازمان های قومی ، ایجاد برداشت و درک مشترکی از منافع و علایق مشترک ، از طریق چارچوب هایی است که سمبل های هویت مشترک و شکایت و نارضایتی ها را در خود متجلی می سازند . حس هویت مشترک و تعهد به تعقیب اهداف قومی - سیاسی را نمی توان از عدم ایجاد کرد و اگر هویت و انگیزه اقدام جمعی ضعیف باشد ، رهبران هم نمی توانند به سهولت اقدام به بسیج کنند ؛ اما ترکیب و تلاقی انگیزه های مشترک و هویت گروهی قومی ماده اشتعال زایی به وجود می آورد که در فرصت های پیش آمده می تواند آنا و دفعتا مشتعل شود .

کردهای سوریه از لحاظ مولفه های سخت افزاری و نرم افزاری موقعیت بسیار شکننده ای دارند . و به لحاظ منابع داخلی ، منطقه ای و بین المللی هرگز قادر نیستند به تنهایی سامان مستقلی بر پا کنند . با وجود مساحت محدود ، جمعیت پراکنده ، منابع حیاتی اندک ، بی تجربگی سیاسی و فقدان کادر رهبری موثر ، کردهای سوریه توانسته اند چند شهر شمالی سوریه را به کنترل خود در آورند . آنچه سبب انبساط سیاسی کردها در سوریه شده است ، افول کنترل دولت مرکزی دمشق و بروز هرج و مرج سیاسی در منطقه (بحران ۲۰۱۱) است .

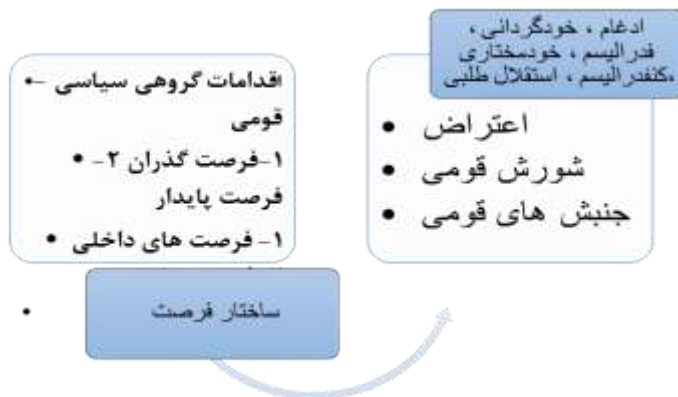
آگاهی فزاینده کردها نسبت به حجم و تراکم تبعیض های اعمال شده نیز نقش مهمی در خیزش آنها داشته است . اما همه این زمینه های مساعد برای برپایی منطقه ای خود مختار و فراتر از آن مستقل ناکافی اند . جمعیت دو میلیون نفری ، سنن غیر دموکراتیک ، هژمونی ترکیه ، تنگنای استراتژیک و تنوع بسیار زیاد میان جریان های سیاسی کرد سوری آنها را بیش از همیشه به انتظار آینده دمشق و خواست آمریکا نشانده است . (نصری ، ۱۳۹۳)

مهمترین خواسته ایالات متحده تعمیم الگوی عراق به سوریه است ، سیاست های اعلامی آمریکا - اما تردید آمریکا و غرب در تعمیم الگوی عراق به سوریه فضا را برای نوعی هرج و مرج خلاق آماده کرده است . در چنین فضایی آنچه تعیین کننده است ، یازده مولفه مندرج در الگوی سنجش وزن اقلیت ها است برای فهم این مصادیق لازم است وزن کردهای سوری را مورد بررسی عینی قرار دهیم .

عوامل مختلفی را در سطح داخلی سوریه و جامعه کردنشین سوریه دخیل هستند . هم چنین عوامل منطقه ای و بین المللی را برای تعیین وضعیت کردها نقش داشتند . منظور از ادغام ، ترمیم مرکز گرایی پیشین و تبدیل کردهای سوریه به بخشی از جمهوری عربی سوریه می باشد .

خودمختاری، منوط به پذیرش ساختار فدرالیسم در قانون اساسی جدید سوریه و اعطای خودمختاری محلی به کردهای سوریه و پدیداری تشکیلاتی به مثابه اقلیم کردستان عراق به کردهای این کشور است. گزینه استقلال به تجزیه کامل کردهای سوریه دلالت دارد که در پرتو آن کشور جدیدی متشکل از دو میلیون کرد در صفحات شمالی سوریه پدیدار شود. شهرهای مهم کردنشین سوریه استان حسکه، دیر الزور، حلب شهرها به کردی دیرک (المالکیه)، جزیره، قامشلی، کوبانی عین العرب، منبج، تل ابیض، تلعفر، الباب، عفرین (راس العین) تحرک کردهای سوریه، محدود به تحرک های داخلی نیست در محیط پیرامون سوریه هم تحولاتی رخ داده است که میتوان هر یک از آنها را امتیازی برای کردهای سوریه محسوب کرد.

دیاکرام مدل مفهومی تد رابرت گر - (ساختار فرصت و فرصت ها و گزینه ها)



(منبع: نگارنده)

تعریف عملیاتی مفاهیم

فرصت گذران: به مجموعه ای از تغییرات در ساختار محیط سیاسی اطلاق می شود که بر وضعیت گروه های مختلف امکان پذیر باشد - اعم از قومی یا غیرقانونی در ادعاها،

استراتژی‌ها بازنگری به مجموعه‌ای از تغییرات در ساختار محیط سیاسی اطلاق می‌شود که می‌تواند در وضعیت گروه‌های مختلف - اعم از قومی یا غیرقومی - تأثیر بگذارد. این تغییرات ممکن است شامل تحول در وضعیت دولت‌ها، بروز بحران‌های سیاسی و امنیتی، یا تضعیف دولت مرکزی باشد. چنین شرایطی زمینه را برای بسیج گروه‌های قومی فراهم می‌کند و حتی می‌توان در طرح‌ها، قالب‌ها، اهداف یا زمان‌بندی آن‌ها، بازنگری کرد.

فرصت پایدار : به سرشت سیاسی دولت و منابع آن و اتحادیه‌های بلند مدت گروه قومی با گروه‌های دیگر صحنه سیاسی و یا عدم اتحاد آن مربوط می‌شود این عوامل پایدار را می‌توان ساختارهای فرصت نامید. این فرصت‌ها، طرق سازماندهی گروه را معین کرده و بر گزینه‌های استراتژیک و بلند مدت آن اثر می‌گذارد.

فرصت داخلی : نهادها و توانایی‌های سیاسی دولت بر گزینه‌ها و گزینش‌های گروه‌های قومی تأثیر می‌گذارند در این زمینه دو عامل بسیار مهم وجود دارد :

۱- قدرت و قابلیت دولت و استفاده از آن : قدرت دولتی یکی از عوامل پایدار فرصت است. دولت‌های قدرتمند یعنی صاحب منابع و توانایی اداری و سیاسی، می‌توانند فعالیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بسیاری را هدایت کرده و به اجرا درآورند. استراتژی دولت می‌تواند متوجه مطیع سازی و یکسان سازی شود که به صورت اعمال محدودیت‌های اداری و دولتی بروز کرده و باعث نارضایتی می‌شود. از طرف دیگر مقابله گروه‌های قومی با دولت‌های مرکزی و قوی چندان آسان نیست و هزینه‌های سنگینی دارد. دولت قوی و غنی می‌تواند از هر دو استراتژی سرکوب و تطمیع برای خرید وفاداری‌ها استفاده کند. اما دولت‌های ضعیف‌تر و شکننده‌تر بیشتر به سرکوب متوسل می‌شوند که خود مشکلات جدیدتری را ایجاد می‌کند طبق بررسی محققان پروژه اقلیت‌های در خطر و تجزیه یا کسب خودگردانی، فقط در دولت‌های نسبتاً قوی و بسیار ضعیف اتفاق افتاده و در دولت‌های نسبتاً قوی بدون خون‌ریزی بوده است در

واقع دولت هایی که از منابع و امکانات کافی برای نبرد قومی نسبتاً طولانی برخوردار بوده اند از آن ابا نکرده اند مانند ترکیه و عراق بعثی

ایدئولوژی بسیج گر : مولفه نرم افزاری در تعیین وزن یک اقلیت (اعم از دین ، مذهبی و قومی) ایدئولوژی بسیج گر است که نیرویی گرمابخش از پیگیری خواسته های گروهی به شمار می رود

مناطق کردی و کردهای سوریه : محل تلاقی سازه های سیاسی - امنیتی و ژئوپلیتیکی قوم کرد در فضای سرزمینی غرب آسیا در کشورهای سوریه ، ترکیه و عراق و ایران را مناطق کردنشین یا عبارت بهتر کردهای سوری ترکیه و عراق تعریف می کنیم

فرصت ها و گزینه ها : عوامل دخیل در جنبش ها و الگوهای قومی - سیاسی که فرصتی جهت کسب اهداف و استراتژی ها باشد ذیل فرصت ها و گزینه ها تعریف می شود که ما در این پژوهش به مورد مسئله کردهای سوری و عوامل فرصت آنها در خلال بحران سوریه پرداخته ایم و از این رو به تجزیه تحلیل مطلب پرداخته می شود .

شاخص های عملیاتی کردن مفاهیم

بحران سیاسی - امنیتی	تغییرات در خط و مشی دولتی حکومتی	ظهور متحدین سیاسی جدید	ضعف دولت مرکزی
----------------------	----------------------------------	------------------------	----------------

کردها بزرگترین اقلیت قومی در سوریه هستند. بر اساس منابع مختلف، جمعیت کردها بین ۸,۵ تا ۱۰ درصد از کل جمعیت سوریه یا حدود ۱,۷ تا ۲,۵ میلیون نفر در سال ۲۰۱۹ تخمین زده می شود (www.cia.gov) اکثر کردهای سوری به کردی کورمانجی صحبت می کنند و مسلمان سنی هستند ، کردهای ایزدی و مسیحی نیز در میان آنها زندگی می کنند. یکی از مهم ترین آثار و تغییرات، و تحولات ناشی از جنگ داخلی سوریه وضعیت بغرنج کردهای سوری و تشکیل کانتون های خودمختار در مناطق

کردنشین بوده است. با شروع بحران داخلی در سوریه، جامعه سوریه به دو بخش اصلی تقسیم شد که از یک سو نیروهای مخالف دولت مرکزی و از سوی دیگر نیروهای حامی دولت مرکزی بودند. کردها ظاهراً یکی از مهم ترین و عمده ترین گروه هایی هستند که در بحران سوریه پیروز شده اند، زیرا با عقب نشینی نیروهای نظامی وابسته به دولت مرکزی از مناطق کردنشین و مناطق نزدیک به مرزهای ترکیه در اواسط ۲۰۱۲، دولت مرکزی عملاً کنترل این مناطق را به کردها سپرد. به دنبال تحولات پس از بحران سوریه، کردهای سوریه فرصت مهمی برای برجسته کردن مسئله کردها و تلاش های آنها برای دستیابی به سطح بالاتری از امتیازات و خودمختاری در مناطق شمالی سوریه یافتند (کاظمی، ۱۳۹۶: ۱۰).

ضعف دولت مرکزی در نتیجه بحران داخلی در سطح کشور، راه را برای قدرت گرفتن کردها هموار کرده است. بعد از اینکه کردها کنترل «شهرهای عفرین، کوبانی، سرکانی، دیراک» را به دست گرفتند، اداره محلی خود را تشکیل دادند که بر اساس آن، کردها از طریق انجمنی خاص، امور مناطق تحت کنترل خود را اداره می کنند. یکی از مهم ترین عوامل تقویت موقعیت کردها در سوریه پس از بحران ۲۰۱۱، رقابت و ظهور گروه های متخاصم علیه دولت مرکزی و ظهور داعش بوده است. در شرایطی که دولت مرکزی سوریه درگیر جنگ داخلی با نیروهای مخالف است، کردهای سوریه که مواضع مستقلی در قبال مخالفان و رویدادهای سوریه داشتند، از این موقعیت استفاده کرده و امور مناطق خود را به دست گرفته اند. این تحولات شرایط جدیدی را برای این کشور ایجاد کرده است که در آن علاوه بر خواست به رسمیت شناخته شدن، خواستار حق کنترل سیاسی و اداری بر مناطق کردنشین شده اند (نصری، ۱۳۹۳: ۴).

رابطه دولت سوریه با کردها پس از وقوع بحران ۲۰۱۱ سوریه

اسکان کردها در سوریه کنونی به قبل از جنگ های صلیبی در قرن یازدهم و دوران فتودالی باز می گردد. ((poskok.info) سپس در قرن دوازدهم، در دوران ایوبیان و

جنگ های صلیبی، بسیاری از کردها از دیگر مناطق غرب آسیا به همراه صلاح الدین ایوبی به عنوان نیروی جنگی به دمشق آورده شدند. در اوایل قرن بیستم، با فروپاشی امپراتوری عثمانی و امضای قرارداد سایکس پیکو، که اعطای امتیاز سرزمینی و خودمختاری نواحی در موافقتنامه سور و لوزان بر اساس آن بود. در سال ۱۹۱۷، بلشویک ها جزئیات قرارداد سایکس-پیکو را که نتیجه مذاکرات بین نمایندگان بریتانیا و فرانسه بود، فاش کردند

موضوع خودمختاری کردها و مهاجرت به سوریه

ترسیم این نقشه به تفصیل ذکر شده است (ر.ک. به یلدیز، ۱۳۸۴). بعدها در معاهده لوزان این موضوع منتفی شد، در واقع معاهده لوزان حق داشتن منطقه خودمختار را از کردها سلب کرد. بسیاری از کردها برای رهایی از ظلم و بی عدالتی نیروهای آتاتورک در دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ از ترکیه به سوریه گریختند و در استان حسکه و منطقه جزیره ساکن شدند. به همین دلیل دولت سوریه مدعی است که همه کردهای سوریه، ترک هستند و به این کشور مهاجرت کرده اند.

پس از اعلام تأسیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ و روی کار آمدن آتاتورک و افشای وعده های دروغین به کردها در خصوص حق برخورداری از منطقه خودمختار کردستان، قیام ها و متعاقب آن امواج مهاجرت از آناتولی به سوریه آغاز شد. دولت سوریه از این واقعیت استفاده می کند تا استدلال کند که همه کردهای سوریه مهاجران کشورهای دیگر هستند. امروزه کردهای سوریه را از نظر جغرافیای فرهنگی و جمعیتی می توان به کردهای بومی و غیربومی تقسیم کرد.

مواضع دولت سوریه در قبال کردهای سوری

در بحران سوریه هدف نهایی دولت بازگرداندن کنترل بر مناطق عمدتاً تحت کنترل کردها در شمال شرق این کشور بود. با این حال تاکید شده بود که این یک روند تدریجی است. ایجاد منطقه حائل موسوم به «کمر بند امنیتی» گامی بود که می توانست به

بازگشت دولت مرکزی به شمال شرق کشور کمک کند. به طور کلی باید توجه داشت که کردهای سوریه مواضع متفاوتی در قبال تحولات این کشور داشتند مثلاً اولین واکنش طبیعی کردهای سوریه به اعتراضات و درگیری هایی که در جنوب سوریه آغاز شد، نوعی اعلام حمایت از دیگر معترضان سوری بود که در چند تظاهرات خیابانی محدود در برخی مناطق و شهرهای کردنشین بیان شد و از طرف دیگر بعدها همکاری با دولت بشار اسد در رویارویی نظامی با داعش را دستاورد متحد شدن خود با سوریه می دانند.

نیروهای سوریه دموکراتیک یا قسد نمونه ای از نزدیکی کردهای سوریه و دولت مرکزی هستند. در پی بحران سوریه، کردهای این کشور فرصت مهمی برای برجسته کردن مسئله کردها و تلاش های آنها برای دستیابی به سطح بالاتری از امتیازات و خودمختاری در منطقه پیدا کردند. از این رو، تحولات در سوریه فضای ویژه ای را برای فعالیت و نقش گروه های کرد سوریه و همچنین نفوذ بازیگران خارجی در مناطق کردنشین ایجاد کرد. با آغاز بحران داخلی سوریه و خروج نیروهای نظامی وابسته به دولت مرکزی از مناطق کردنشین و مناطق نزدیک به مرزهای ترکیه در اواسط ژوئیه ۲۰۱۲، دولت مرکزی عملاً کنترل این مناطق را به کردها سپرد. با آغاز تحولات داخلی سوریه، کردها در قالب نیروی سیاسی حزب اتحاد دموکراتیک یا (پ ی د) و بازوی نظامی آن، یگان های مدافع خلق، (ی پ گ) مقدمات سیاسی و نظامی خود را آغاز کردند و در سال ۲۰۱۲ موفق به ایجاد منطقه خودمختار در شمال سوریه تحت کنترل خود شدند. مناطقی که کردها قصد ایجاد یک منطقه خودمختار را دارند از شهر دیرک یا مالکیه در استان حسکه شروع می شود و به سمت غرب در نزدیکی مرزهای ترکیه در نزدیکی اسکندرون ختم می شود. (آرانی، ۱۳۹۵) این مناطق در چارچوب سه کانتون جداگانه جزیره، فرات و عفرین و نواحی شمالی و شرقی رود فرات تحت حکومت سوریه دموکراتیک یا اس دی اف که به اختصار قسد گفته می شود ایجاد شد.

و با تشدید بحران، در جنگ داخلی سوریه مدل حکمرانی با عنوان کنفدرال تنوریزه شد در نهایت با ظهور داعش، دولت مرکزی دمشق که خود را با چندین نیروی مخالف در مواجهه می دید، این امر موجب شد که در تابستان ۲۰۱۲ تصمیم بگیرد نیروهای خود را از مناطق کردنشین خارج کند تا موقعیت خود را در دیگر سنگرهای استراتژیک تثبیت دهد. این به کردها فرصت داد تا برای مطالبات خود آماده شوند و موقعیت خود را در قبال مسئله خودمختری و خودگردانی مستحکم کنند و در عین حال زمینه را برای اندیشیدن به آرزوی دیرینه آنها، یعنی تلاش برای اتصال سه کانتون به یکدیگر فراهم آورند.

در سال ۲۰۱۳، مناطق کردنشین سوریه به یکی از میدان های اصلی نبرد خشونت و رادیکالیسم پس از سال ۲۰۱۰ تبدیل شد که اولین آزمون حیاتی برای کردها برای دفاع از سرزمین های ادعایشان را به نمایش گذاشت. با تسریع جنبش کردها برای تحکیم موقعیت خود، نیروهای داعش حملات نظامی خود را علیه کردهای سوریه آغاز کردند. بخش عمده ای از این درگیری ها در کانتون کوبانی رخ داد که به مدت چهار ماه در محاصره نیروهای داعش بود. کردها به تدریج توانستند داعش را عقب برانند و این نیرو را از مناطق مهم سوریه عقب برانند. آنها پس از شکستن محاصره کوبانی و آغاز پیشروی های کردها، زمینه را برای اتحاد بین خود و سایر نیروهای نظامی برای جلب حمایت بین المللی و افزایش مشروعیت خود فراهم کردند. این اتحاد به سوریه دموکراتیک یا قسد معروف شد

نیروهای دموکراتیک نیروهای سوریه دموکراتیک در اکتبر ۲۰۱۵ تشکیل شد و حاصل اتحاد کردها و اعراب سنی، آشوری، ترکمن و ارمنی است که اساساً یک نیروی پیشتاز تحت کنترل کردها در تحولات سوریه است. این نیرو با حمایت ائتلاف بین المللی علیه داعش توانست در سوریه پیشروی های موفقیت آمیزی داشته باشد و با عقب راندن داعش شهر استراتژیک منبج را در آگوست ۲۰۱۶ آزاد کند و در نهایت سعی دارد دو

کانتون عفرین و جزیره را به هم متصل کند و کردستان سوریه را در قالب فدرال متشکل از سه کانتون متحد کند. (طالبی آرانی، ۱۳۹۵) با ورود مستقیم ترکیه به بحران سوریه، با حمله نیروهای تحت حمایت این کشور به جرابلس، آرزوی کردها برای اتصال این سه کانتون با تهدید جدی مواجه شده است. با ظهور داعش و در سال ۲۰۱۳، کردها چندین گام اساسی برداشتند، نخست، آماده سازی فضای سیاسی برای اجرای طرح کنفدرالیسم دموکراتیک در مناطق کردنشین سوریه. دوم، شکست داعش در کوبانی با وجود محاصره این شهر توسط این نیروها و جلب حمایت بین المللی و منطقه ای برای خود. سوم، نیروهای دموکراتیک سوریه به یک نیروی مؤثر در سوریه تبدیل شدند.

وضعیت ژئوپلیتیک کردهای شمال سوریه

دورافتادگی و انزوای مناطق کردنشین کار را برای کردهای سیاسی سوریه بسیار دشوار کرده درماندگی در ایجاد یک جامعه متحد و متشکل از همه گروهها با عنوان دموکراسی. علاوه بر ایجاد مناطق عربنشین، وجود جمعیت‌های کوچک ارمنی، سریانی، آشوری، ترکمن، ایزدی و مسیحی در مناطق کردنشین از دیگر مشکلاتی است که کردهای سوریه در آینده با آن مواجه خواهند شد. کردهای سوریه علاوه بر مشکلات داخلی، با یک سری موانع منطقه ای نیز مواجه هستند. مهم ترین موانع، هژمونی سیاسی-نظامی ترکیه در منطقه شامات است. این بدان معناست که آغاز جنگ داخلی در سوریه و به دنبال آن تسلط کردها بر مناطق کردنشین و کنترل دستگاه های امنیتی و اداری این مناطق باعث نگرانی دولت ترکیه شده است. در این میان، آنکارا از کنترل حزب اتحاد دموکراتیک به عنوان شاخه ای وابسته به حزب کارگران کردستان بر مناطق کردنشین به شدت هراس دارد، زیرا کنترل این حزب بر مناطق کردنشین نزدیک مرزهای ترکیه می تواند زمینه را برای استقرار حزب کارگران کردستان در این مناطق فراهم کند و در نتیجه جبهه و پایگاه جدیدی برای حملات ترکیه به ترکیه باز شود. به عبارت دیگر، حضور حزب اتحاد دموکراتیک در این مناطق می تواند پایگاه مناسبی را برای نیروهای

کرد مخالف دولت ترکیه فراهم کند تا از یک سو جبهه جنگ علیه ارتش ترکیه را در سطح وسیع تری پیش ببرند و از سوی دیگر افکار عمومی کردها را بسیج کنند. هراس آنکارا از این مهم است که ترکیه به وضعیتی مشابه کردهای سوریه دست یابد و زمینه ساز قیام گسترده کردها در ترکیه شود. مهم ترین اصل در این زمینه، منافع قدرت های مسلط بین المللی است. تنها اسرائیل و اقلیم کردستان از تجزیه سوریه حمایت می کنند. دولت آمریکا نیز از کنترل مناطق کردنشین توسط نیروهای وابسته به حزب کارگران کردستان ابراز نگرانی کرده و هشدار داده است که گروه های کرد در سوریه نباید با این حزب همکاری کنند. ما همچنین با ترکیه همکاری می کنیم تا این منطقه به محلی برای استقرار پ.ک.ک تبدیل نشود. در این میان، ادغام دموکراتیک با حفظ حقوق ویژه مهمترین سناریو برای کردهای سوریه است (نصری، ۱۳۹۳: ۳۱). بدون شک یکی از مهمترین مشکلات پیش روی کردها در تحولات آینده سوریه، پراکندگی جمعیتی و جغرافیایی مناطق کردنشین است. پراکندگی جغرافیایی مناطق کردنشین سوریه مانع از تشکیل یک جامعه متمرکز فرهنگی و نیروی سیاسی شده است (بیلدیز ۲۰۰۵؛ ۲۳). به عبارت دقیق تر، مناطق کردنشین با چندین منطقه عرب نشین بین آنها جدا شده است، اما همه شهرهایی که کردها در آن زندگی می کنند با مناطق کردنشین عراق و ترکیه هم مرز هستند.

تفاوت کردستان سوریه و اقلیم کردستان عراق از نظر مدل حکومتی

کردستان سوریه، که ساختاری متفاوت از اقلیم کردستان عراق دارد، بر پایه نوعی خودگردانی اداری اداره می شود. در مقابل، حکومت سیاسی اقلیم کردستان عراق بر فدرالیسم قومی است که در آن قدرت محلی در یک دولت قومی کرد در ساختار عراق تعریف شده است. در سوریه، ساختار خودگردانی در ابتدا در قالب سه کانتون مستقل شکل گرفت که بعدها با عنوان "کردستان سوریه" یا روزاوا به صورت یکپارچه تری سازماندهی شدند. با این، مدل حاکم بر مناطق کردنشین سوریه با ساختار فدرال اقلیم

کردستان عراق تفاوت دارد. چرا که در سوریه هنوز مفهوم دولت قومی به طور رسمی و حقوقی نهادینه نشده و ساختار حاکم بر پایه ائتلافی چندقومی و غیرمتمرکز تعریف می شود.

از نظر نظام حکومتی و شیوه توزیع قدرت محلی و قومی، میان کردستان سوریه و اقلیم کردستان عراق تفاوت هایی وجود دارد. با این حال، هر دو مدل بر دیدگاه مشترک مبتنی بر اصل مدیریت غیرمتمرکز و تمایز از دولت مرکزی استوار هستند. در کردستان، سوریه بر مدیریت خودمختار، جامعه محور و غیرمتمرکز است که بر اساس الگوی کنفدرالیسم دموکراتیک شکل گرفته است. در مقابل، اقلیم کردستان عراق بر بنیان فدرالیسم قومی و تلاش برای تشکیل یک واحد ملی کرد متکی است که در ساختار سیاسی عراق جایگاه رسمی و فدرال دارد.

نقش رهبری حزب کارگران کردستان ترکیه و تأثیر آن بر استراتژی خاورمیانه

دیدگاه های سیاسی و فرهنگی نخبگان کرد در سوریه، عراق و ترکیه به ویژه در قالب نظریه پردازی های عبدالله اوجلان، از عواملی که در جهت دهی به راهبردهای منطقه ای گروه های کرد در نتیجه به نوعی استراتژی به شمار می روند. اوجلان که پیش تر دیدگاهی بر مارکسیسم-لنینیسم و ناسیونالیسم قومی داشت، پس از دستگیری، مواضع موجود را در قالب نظریه «خودمدیریتی دموکراتیک» و «کنفدرالیسم دموکراتیک» مطرح کرد؛ الگویی که در مناطق شمال و شرق سوریه توسط گروه های وابسته به پ ک ک، مانند KCK، به طور آزمایشی اجرا شد. این نظر با توجه به اداره غیرمتمرکز، به ویژه در کانتون های جزیره، عفرین و فرات، به عنوان الگویی با نهادها و ساختارهای اجتماعی برای کردهای سوریه در نظر گرفته شده است. با این حال، ماهیت این نظریه ها و ساختارهای حاصل از آن، از منظر برخی ناظران، نه تنها فراتر از مرورهای ملی دولت های منطقه ای رفته است، بلکه به نوعی جستجو برای تحمیل الگویی خاص بر ساختارهای

موجود تلقی می‌شود که تبعات فراتر از یک تجربه بومی در پیش داشته باشد. در این سازمان، فعالیت‌های سیاسی انجمن‌های کردستان (KCK) به‌عنوان ساختاری فراملی می‌پردازد که در مرکز خود قرار دارد، در امتداد پژوهش‌های سیاسی و توسعه این مدل قرار می‌گیرد. این مجموعه خارج از مباحث نظری آن، عملاً به بروز پیچیدگی‌های جدید در معادلات امنیتی و سیاسی شمال سوریه و مناطق کردنشین دامن زده است.

جغرافیای نفوذ پ ک ک در میان کردهای خاورمیانه

حزب کارگران کردستان ترکیه (پ ک ک) پس از سال‌ها مبارزه، یکی از تأثیرگذارترین جریان‌های سیاسی در میان کردهای ترکیه و سوریه است. نفوذ این حزب از کوه‌های سنجار تا مناطق کردستان سوریه گسترش یافته است. پ ک ک تلاش کرده است تا پروژه‌ای تحت عنوان جوامع خودمدیریتی دموکراتیک برای کردها، عرب‌ها و سایر اقلیت‌ها راه‌اندازی کند. این پروژه در مناطق مانند شمال سوریه و از طریق ایجاد شوراهای محلی و سیستم‌های دموکراتیک در سطح روستاها و شهرها اجرا می‌شود.

پس از بحران و جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، بسیاری از کردهای طرفدار پ ک ک با حمایت از دولت مرکزی در شمال سوریه مستقر شدند و حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) را تشکیل دادند. این حزب از ایدئولوژی عبدالله اوجلان، رهبر پ ک ک، استفاده کرد و مدل کنفدرالیسم دموکراتیک را در شمال سوریه پیاده کرد. در نتیجه، نیروهای تحت عنوان سوریه دموکراتیک (SDF) با حمایت آمریکا برای مبارزه با داعش و سایر نیروهای معارض - سلفی سوری در مناطق مختلف شمال و شرق سوریه تشکیل شدند.

رابطه ترکیه و کردها در چارچوب استراتژی منطقه‌ای آنکارا در سوریه

در جریان بحران سوریه، کردها یکی از بازیگران کلیدی و مستقل از سایر گروه‌های اپوزیسیون بوده‌اند. مهم‌ترین گروه کردی در این دوره، حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) و شاخه نظامی آن یعنی یگان‌های مدافع خلق (YPG) بوده است. این گروه با الهام از اندیشه‌های عبدالله اوجالان، رهبر زندانی پ.ک.ک، به دنبال خودمدیریتی دموکراتیک در شمال سوریه است، هرچند ترکیه رهبران این حزب را وابسته به پ.ک.ک می‌داند و تهدیدی علیه امنیت خود تلقی می‌کند (Gunter, 2014). در آغاز بحران، کردها رویکردی غیرفعال اتخاذ کردند و وارد درگیری با دولت اسد نشدند، اما با ضعف دولت مرکزی، کردهای سوریه کنترل مناطقی در شمال سوریه همچون عین العرب (کوبانی)، قامشلی و غفرین را در دست گرفتند. در این مناطق، ساختاری به نام «روژاوا» یا اداره خودگردان شمال و شرق سوریه تشکیل دادند که مدعی حکمرانی چندقومیتی و سکولار بود (International Crisis Group, 2018).

ترکیه در پی تحقق اهداف ژئوپلیتیکی و امنیتی خود در سوریه، رابطه‌ای پیچیده و پرتنش با کردهای این کشور، به‌ویژه نیروهای وابسته به پ.ک.ک و یگان‌های مدافع خلق (YPG)، داشته است. این رابطه عمدتاً در چارچوب تهدیدات امنیتی و تلاش برای مهار شکل‌گیری یک ساختار خودمختار کردی در مرزهای جنوبی ترکیه قابل تجزیه و تحلیل است. پس از آغاز بحران سوریه، آنکارا فرصت را برای تغییر موازنه قدرت در شمال سوریه و دولت قانونی سوریه (بشار اسد) مغتنم شمرد (Siccardi, 2021). ترکیه دو نوع اقدامات مرتبط با بحران پیش روی سوریه انجام داد یکی اقداماتی که مرتبط با تضعیف دولت قانونی بشار اسد که حمایت از گروه‌های سنی مذهب و میانه رو مانند ارتش آزاد و هیئت تحریر الشام رقم خورد و دومی مجموعه عملیات‌های میدانی و اقدامات در جهت نیروهای کرد و جلوگیری از تاثیر و نفوذ پ.ک.ک بر روی کردهای سوریه بود عملیات‌هایی مانند شاخه زیتون، چشمه صلح، ادلب و سیر فرات

ترکیه همواره مرزها و امنیت داخلی خود را مورد تهدید می دید بدنبال کشیدن یک کمربند امنیتی ویژه ای در شمال سوریه بود، این کمربند از مرزهای شمال و شمال غربی سوریه شروع و تا منتهی الیه مرزهای شرقی و شمال شرقی سوریه امتداد یافته است به همین دلیل، چهار عملیات نظامی عمده را در خاک سوریه علیه کردها انجام داده است: سپر فرات (۲۰۱۶)، شاخه زیتون (۲۰۱۸)، چشمه صلح (۲۰۱۹) و حضور در ادلب (۲۰۲۰). در این چهار عملیات نظامی ترکیه در سوریه، اگرچه اهداف اعلامی آنکارا عمدتاً حول محور امنیت مرزها و مقابله با تهدید تروریستی بیان شده‌اند، اما در عمل، بیشترین تأثیر را بر وضعیت کردهای سوریه، به‌ویژه نیروهای YPG و SDF داشته‌اند. در ادامه، هر عملیات را به‌طور مشخص به کردهای سوریه مرتبط می‌کنیم:

سپر فرات (۲۰۱۶): ترکیه این عملیات را با هدف دور کردن نیروهای Y ترکیه این عملیات را با هدف دور کردن نیروهای YPG از مرزهای خود و جلوگیری از اتصال کانتونهای کردی جزیره، کوبانی و عفرین آغاز کرد. هدف راهبردی ترکیه، ممانعت از شکل‌گیری پیوستگی جغرافیایی مناطق تحت کنترل در شمال سوریه بود. روسیه نیز با در نظر گرفتن رقابت ترکیه و آمریکا، ضمن حفظ نفوذ خود در سوریه، نقش ناظری محتاط داشت و در برخی موارد حتی حمایتی از آن نشان داد. (Gall & Higgins, 2020)

شاخه زیتون (۲۰۱۸): این عملیات به طور مستقیم علیه نیروهای YPG در منطقه عفرین صورت گرفت. منطقه‌ای از نظر استراتژی برای کردهای سوریه جهت تداوم خودمختاری‌شان مهم بود. ترکیه پیش از حمله، با روسیه هماهنگی‌هایی انجام داد و مسکو نیز به‌صورت مشروط با آن بود این عملیات به‌طور مستقیم علیه نیروهای YPG در منطقه عفرین صورت گرفت. منطقه‌ای از نظر استراتژی برای کردهای سوریه جهت تداوم خودمختاری‌شان مهم است. ترکیه پیش از حمله، با روسیه هماهنگی‌هایی انجام داد و مسکو نیز به‌صورت مشروط با آن مخالفت کرد. این رضایت از سوی روسیه ناشی از

آن بود که تضعیف YPG می توانست شکاف میان ترکیه و آمریکا را تشدید کرده و توازن را به نفع مسکو تغییر دهد (پاکزاد، ۱۳۹۷: ۶۴).

چشمه صلح (۲۰۱۹): این عملیات پس از چراغ سبانهام شد و مناطق تحت کنترل SDF، شرق رود فرات هدف قرار . ترکیه مدعی بود که قصد تا خود افزایش دهد و از نفوذ ترکیه در مناطق کردنشین جلوگیری کنند این عملیات از چراغ سبز غیررسمی انجام شد و مناطق تحت کنترل SDF، به ویژه شرق رود فرات که جمعیت غالب آن را تشکیل می دهند، هدف قرار می دهند. ترکیه مدعی بود که قصد ایجاد منطقه امن دارد، اما در واقع زیرساخت های حکومتی را تضعیف کرد و مانع از تحکیم اقتدار آن ها شد. در واکنش، روسیه با ارسال تجهیزات و نیرو به قامشلی و تل تمر، تلاش کرد تا نفوذ خود را افزایش دهد و از گسترش نفوذ ترکیه در مناطق کردنشین جلوگیری کند (Musa & Koparan, 2022).

ادلب (۲۰۲۰): گرچه این، اما در رقابت های منطقه ای، تاثیرگذار توافق اقتصادی جستجو کرد دامنه نفوذ در مناطق مختلف - از جمله گرچه این عملیات در سطح ارتباط مستقیم با کردها وجود نداشت، اما در رقابت های منطقه ای، تأثیر غیرمستقیمی بر موقعیت کردهای سوریه داشت. ترکیه در توافق آستانه، برای حفظ نفوذ خود در شمال غرب سوریه و جلوگیری از پیشروی ارتش سوریه و نیروهای نظامی به ایران و روسیه، از نیروهای نفوذی وارد ادلب کرد. مسکو در واکنش، با سرعت هوایی و فشار اقتصادی جستجو کرد دامنه در ترکیه در مناطق مختلف - از برخی مناطق کردنشین - را کنترل کرده و مانع از استفاده از ترکیه از کارت کردها در مذاکرات آینده شود (Kizilkaya et al., 2021: 237-238).

در مجموع، می توان گفت هر چهار عملیات نظامی ترکیه در سوریه، در درجات مختلف، در راستای مهار رشد سیاسی و نظامی کردهای سوریه و جلوگیری از تثبیت موجودیت شبه دولتی آن ها بوده و کنش بازیگران دیگر مانند روسیه و آمریکا نیز بسته به شرایط، یا به صورت فعال یا منفعل، این مهار را تسهیل کرده اند. در پس این اقدامات نظامی، ترکیه

تلاش کرده است تا به جای تعقیب عناصر پک‌ک در داخل مرزهای خود، آن‌ها را در خارج از مرزها مهار کرده و ابتکار عمل امنیتی را در اختیار گیرد. این سیاست «جلوگیری از تهدید در مبدأ» به نوعی استراتژی امنیتی تهاجمی آنکارا در برابر تهدید کردی تلقی می‌شود. به‌طور کلی، روابط ترکیه با کردها در سوریه را می‌توان به‌مثابه رقابتی ژئوپلیتیکی دانست که در آن ترکیه می‌کوشد از طریق مداخلات نظامی، مانع از شکل‌گیری یک منطقه مستقل کردی در شمال سوریه شود، چراکه آن را تهدیدی مستقیم علیه تمامیت ارضی و امنیت ملی خود می‌داند.

جمع بندی

کردهای سوریه پس از آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ با استفاده از قدرت و ضعف دولت مرکزی، مناطق شمال سوریه را تحت کنترل خود درآوردند. در طول جنگ داخلی سوریه، کردها به ویژه در شمال شرقی کشور کوشیدند مناطق خود را خودمختار کنند و به نوعی نظام فدرالی در این مناطق حفظ کنند. اما این خودمختار با تهدیدات جدی از سوی دولت و به ویژه ترکیه، روبرو شده است. ترکیه، که نگران افزایش نفوذ گروه‌های کردی مرتبط با پک‌ک (حزب کارگران کردستان) در مرزهای جنوبی خود است، بارها عملیات نظامی علیه کردها در سوریه انجام داده است.

با این حال، کردها در سوریه به عنوان یک نیرو در مبارزه علیه داعش فعال بودند. در این میان، ایالات متحده آمریکا به ویژه در مبارزه با داعش از کردها حمایت کرده است، اما پس از عقب‌نشینی آمریکا از مناطق کردنشین سوریه در سال ۲۰۱۹، کردها با قدرت‌هایی از سوی ترکیه و سایر بازیگران بیش از پیش روبرو شدند.

در نهایت، کردهای سوریه همچنان با چالش‌های بزرگ‌های منطقه‌ای و بین‌المللی روبرو هستند. آنها با پیچیدگی‌های تحولات ژئوپلیتیکی در منطقه، تهدیدات ترکیه و همچنین اختلافات داخلی در میان گروه‌های انجام شده قرار دارند.

منابع

- توکل، بهوند (۱۳۹۸)؛ پیامدهای دستگیری و زندانی شدن عبدالله اوجالان در رویکرد جدید حزب کارگران کردستان ترکیه، تهران، پاییز ۲۰۱۹، دانشگاه تهران
- پاکزاد، حسین (۱۳۹۷)، ترکیه و بحران سوریه: بررسی استراتژی‌ها و رویکردهای منطقه‌ای. تهران: نشر آینده.
- نصری، قدیر، سلیمی، آرمان (۱۳۹۳) کردهای سوریه؛ الگوی سنجش وزن اقلیت، فصلنامه روابط خارجی سال ششم تابستان ۱۳۹۳ شماره دوم
- طالبی آرانی، روح‌الله، زرین نرگس، یحیی، ظهور داعش و دگردیسی در رفتار کردها (سوریه و عراق)، تابستان ۱۳۹۵ علمی پژوهشی وزارت علوم، صص ۱۲۷ - ۱۵۰
- ییلدیز، کریم (۲۰۰۵) کردهای سوریه مردم فراموش شده)، ترجمه خیرآبادی، سال چاپ ۱۴۰۰ نشر آمیاز

- Gunter, M. M. (2014). *The Kurds in Syria: The new "Kurdish question"*. Middle East Policy, 21(4), 100-111.
- International Crisis Group. (2018). *The Kurds in Syria: History, ideology, and the geopolitical realities*. Report No. 280.
- Kizilkaya, H., et al. (2021). *The geopolitics of Idlib: Turkey's military intervention in Syria*. Middle Eastern Studies Review, 29(1), 237-238.
- McDowall, David (1998). *The Kurds of Syria*. London: KHRP.
- McDowall, David (2006). *Modern history of the Kurds*. London.
- Musa, A., & Koparan, C. (2022). *Turkey's intervention in Syria: Military strategies and geopolitical consequences*. Journal of Middle Eastern Politics, 34(2), 145-162.
- www.cia.gov
- www.rudaw.net
- www.poskok.info